

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Typology and Comparative Analysis of Research Approaches to
Aesthetics of Architecture
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

گونه‌شناسی و مقایسه تطبیقی رویکردهای پژوهشی در مطالعات حوزه زیبایی‌شناسی معماری*

سمیه موسویان^۱، بهناز امین‌زاده گوهریزی^{۲*}، آزاده شاهچراغی^۳

۱. پژوهشگر دکتری معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد گروه شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۲۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱

چکیده

بیان مسئله: تنوع نگرش‌های موجود در پژوهش‌های مختلف زیبایی‌شناسی معماری به موضوعی میان‌رشته‌ای و پیچیده مبدل شده که در حال توسعه ایده‌های نظری جدید بر مبنای حوزه‌ای وسیع است. به طوری که از دهه ۷۰ میلادی تاکنون، جنبه‌ها و اصول زیبایی‌شناسی عمدتاً بر اساس دیدگاه‌های نظری و تجربی مختلف در حال گسترش است و این موضوع موجب تغییر بینش پژوهشگران نسبت به قواعد کلی پیشین شده است. لذا توجه محققان به زمینه‌های گوناگون مسائل نظری زیبایی‌شناسی سبب پدید آمدن نگرش‌هایی جدید در خصوص جنبه‌های ارزیابی آثار معماری شده است، ولی با این حال اجماع و توافق اندکی در خصوص چارچوب‌های نظری و مفهومی این موضوع وجود دارد، مواردی که هنوز در بسیاری زمینه‌ها بحث‌برانگیز است. لذا در این راستا، این پرسش‌ها مطرح می‌شوند که مقوله‌های اصلی پژوهش‌های معاصر در حوزه زیبایی‌شناسی معماری چیست؟ و چه معیارهای ارزیابی در تحلیل زیبایی‌شناسی رویکردها به کار گرفته شده‌اند؟

هدف پژوهش: این پژوهش پیرامون مواضع مختلف موضوع به گونه‌شناسی و مقایسه تطبیقی رویکردهای مرتبط تمرکز می‌یابد. چراکه اهمیت شناخت این رویکردها از این واقعیت ناشی می‌شود که پژوهش در زمینه ایده‌های زیبایی‌شناسانه که اساساً مرتبط با موجودیت فرهنگی انسان است، امکان بازگردانی مواضع نظری به فرآیندهای عملی خلاقیت و ادراک محیط و توسعه‌های بیشتر را محیا می‌سازد.

روش پژوهش: تحقیق کیفی حاضر با استفاده از یک روش توصیفی و متعاقباً تحلیل محتوای کیفی تحت رویکردی تطبیقی-تفسیری به شناسایی متغیرهای اصلی موجود در روش‌شناسی پژوهش‌های شاخص و معتبر علمی پرداخته و با استدلال منطقی سعی بر تدقیق و مقایسه مبانی بینشی و نتایج تبیینی آنها دارد. در این راستا در مجموع ۸۱ پژوهش در بازه زمانی ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۷ در قالب کتاب و مقالات معتبر علمی از طریق موتور جستجوی گوگل اسکالر شناسایی شدند. دامنه اطلاعاتی این پژوهش معطوف به مطالعاتی است که با توجه به شالوده معرفت‌شناسی آنها به طور خاص موضوع زیبایی در معماری را مورد مطالعه قرار داده‌اند. لذا به شیوه تمام‌شماری، نمونه‌های در دسترس به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند.

نتیجه‌گیری: مفهوم‌سازی در خصوص رویکردهای مطالعاتی زیبایی‌شناسی معماری، باید فراتر از ترجیحات شناختی و یا ادراکی انسان و ارزیابی بلافصل یک اثر (که در یک بافت متحدالمرکز، منفعل، شیء محور است) بسط یابد. لذا لزوم توسعه حوزه‌های روش‌شناختی ارزیابی‌های مبتنی بر «تجربه» انسان از محیط موجب می‌شوند تا عملاً همه جوانب محیط از جمله مطلوبیت آن و ارتقاء بهزیستی انسان را شامل شود. از این رو ضرورت دارد تا نگرش‌های پژوهشی از طریق رویکردهای انسان‌محور و با در نظر گرفتن ادراک چندگانه و پویا در بستری از یک گفتمان زیست‌محور، فعال، مشارکتی و تجربی به مطالعات زیبایی‌شناسی در این حوزه بپردازند، چراکه مفهوم زیبایی‌شناسی در معماری نیازمند شناخت دیدگاه عمیقی از بحث ادراک زیبایی از منظر «تجربه ادراکی» انسان است.

واژگان کلیدی: زیبایی‌شناسی معماری، رویکردهای پژوهشی، انسان‌محوری، تجربه زیبایی‌شناسی.

مشاوره «آزاده شاهچراغی» در دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران در سال ۱۳۹۹ به انجام رسیده است.
** نویسنده مسئول: bgozar@ut.ac.ir: ۰۹۱۲۲۰۳۰۹۹۴

این مقاله برگرفته از رساله دکتری «سمیه موسویان» با عنوان «تبیین مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی در معماری معاصر ایران مبتنی بر تجربه مخاطب» است که به راهنمایی «بهناز امین‌زاده گوهریزی» و

مقدمه و بیان مسئله

از اواخر نیمه دوم قرن بیستم، دیدگاه غالب پژوهش‌های معماری، «زیبایی‌شناسی» را به عنوان یک زمینه مطالعاتی مجزا در نظر گرفته‌اند و امروزه زیبایی‌شناسی با ایفاء نقشی گسترده در مطالعات به عنوان محرکی برای تغییر بنیادین مفاهیم و تئوری‌های براساس طیف متنوعی از ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی عمل می‌کند. تنوع نگرش‌های موجود در پژوهش‌های مختلف زیبایی‌شناسی معماری به موضوعی میان‌رشته‌ای و پیچیده مبدل شده که در حال توسعه ایده‌های نظری جدید بر مبنای حوزه‌ای وسیع است. به طوری که از دهه ۷۰ میلادی تاکنون، جنبه‌ها و اصول زیبایی‌شناسی عمدتاً براساس دیدگاه‌های نظری و تجربی مختلف در حال گسترش است و این موضوع موجب تغییر بینش پژوهشگران نسبت به قواعد و ارزش‌های کلی پیشین از جمله تئوری «گشتالت» شده است. حتی پژوهش‌های اولیه‌ای که منجر به خلق مفهوم مطلق و جهانی زیبایی در معماری شده بود و به عنوان بستری برای مطالعات کاربرد داشت، اکنون به طور کلی از میان رفته‌اند.

توجه پژوهشگران به زمینه‌های گوناگون مسائل نظری زیبایی‌شناسی سبب پدید آمدن نگرش‌هایی جدید در خصوص جنبه‌های مختلف ارزیابی معماری حتی مفاهیم مرتبط با موضوع «همدلی» و ادراک زیبایی از نوعی که در اوایل قرن بیستم گسترش یافته بود، اکنون در بحث‌های جدید معماری تغییر یافته است. لذا توجه محققان به زمینه‌های گوناگون مسائل نظری زیبایی‌شناسی، سبب پدید آمدن نگرش‌هایی جدید در خصوص جنبه‌های مختلف ارزیابی آثار معماری و نقش فرهنگی-اجتماعی آن شده است. با این حال اجماع و توافق اندکی در خصوص چارچوب‌های نظری این موضوع وجود دارد، مواردی که هنوز در بسیاری زمینه‌ها بحث‌برانگیز است. چراکه علاوه بر پیچیده بودن بحث ادراکات زیبایی‌شناسی و ارزیابی معماری نسبت به سایر مصنوعات هنری، مسئله مورد توجه دیگر بحث مطلوبیت و عملکرد اثر معماری است.

لذا با تغییر نگرش محققین به تدریج اولویت‌های پژوهشی با تمرکز بر ابعاد اجتماعی-فرهنگی از یک‌سو و شناخت ادراک و ارزیابی زیبایی به عنوان حوزه مجزا از سوی دیگر بر مبنای رویکردهای مختلفی مورد توجه واقع شده است و پژوهش‌های ترجیحات محیطی از موضوعات خودشمول در حوزه زیبایی‌شناسی محسوب می‌شوند. چنین مطالعاتی به طور بنیادین به توضیح پاسخ‌های عاطفی افراد، به خصوص شیوه‌ای که ادراک به ویژگی‌های اثر معماری مرتبط می‌شود، پرداخته‌اند. در نتیجه این حوزه میان‌رشته‌ای منبع گوناگونی، گزینش‌های معرفت‌شناسی و به ویژه روش‌شناسی متفاوتی شده است و

ماحصل آن که پژوهش در خصوص ادراک و ارزیابی زیبایی به واسطه بازه‌ای از گفتمان‌های نظری متفاوت در خصوص ماهیت زیبایی‌شناسی در معماری، همچنان سردرگم مانده است. با توجه به این که شناخت الگوهای اصلی و تأثیرگذار رویکردهای پژوهشی زیبایی‌شناسی در برنامه‌ریزی و طراحی معماری از اهمیت بسزایی برخوردار است، لذا اهمیت شناخت این رویکردها از این واقعیت ناشی می‌شود که پژوهش در زمینه ایده‌های زیبایی‌شناسانه که اساساً مرتبط با موجودیت فرهنگی انسان است، امکان بازگردانی مواضع نظری به فرآیندهای عملی خلاقیت، ادراک محیط و توسعه‌های بیشتر را محیا می‌سازد.

به واقع می‌توان گفت؛ زیبایی‌شناسی هرگاه به منزله پژوهش درباره برخی از تجربه‌های مشخص فرد، خواه نحوه نگرش‌ها، ادراکات، عواطف و اعمال او باشد، به واقع در جستجوی شناخت حالات روحی و فعالیت ذهنی ویژه‌ای است تا بتواند درک کند که در چه حالت و در چه زمانی این حالات به عنوان تجربه‌ای زیبایی‌شناسانه بروز می‌یابند. لذا شناخت و پذیرش چستی زیبایی‌شناسی در معماری زمینه‌ای است که اهمیت بسزایی دارد و معمولاً توجه چندانی برای شناخت آن به لحاظ محتوای نظری نمی‌شود و همواره این سردرگمی وجود دارد که کدام الگوی نظری زیبایی‌شناسی برای معماری از این منظر جامع‌تر است؛ چراکه این مفهوم همواره کیفیتی مبهم به نظر می‌رسد و نیازمند داده‌های منسجمی برای انجام پژوهش‌هایی دقیق‌تر است.

هدف این پژوهش با توجه به اهمیت شناخت الگوهای تأثیرگذار رویکردهای مطالعاتی، یافتن نظام‌های علمی و فکری حاکم در این حوزه از طریق واکاوی مطالعات معاصر است. چراکه سامانه جستجو یا پارادایم تحقیق به نظریه و تحقیق جهت می‌بخشد و مشتمل بر پیش‌فرض‌های اساسی علم است و چگونگی درک جهان را تبیین می‌کند. به این ترتیب، پارادایم یا سامانه جستجو به نوعی معادل با رویکردی است که پژوهشگر برای تحقیق اتخاذ می‌کند. از این‌رو رویکرد تحقیق و مبانی فلسفی حاکم بر روش تحقیق بر تحلیل‌ها و به طور کلی فرآیند، روش و نتایجی که محقق ارائه می‌کند، کاملاً تأثیرگذار است (رئیس، ۱۳۹۵، ۴-۵). لذا این امر ضرورت آگاهی از رویکردهای پژوهشی به عنوان حوزه‌ای با ماهیت پیچیده را روشن می‌سازد. تحقیق حاضر در ارتباط با ارزیابی ابعاد گوناگون زیبایی در معماری در پی آن است تا نگرش‌های مطالعات پیشین را تا حد امکان قاعده‌مند سازد. از این‌رو با تحلیل سنت‌های روش‌شناسی اتخاذ شده در انواع پژوهش‌ها و ارائه تفاسیر مختلف از روش‌های به کارگرفته شده می‌تواند به عنوان مرجعی برای شناخت انواع ساختارهای پژوهشی این حوزه کاربرد داشته

مطالعات در قالب جداول تطبیقی گونه‌شناسی شدند و تا زمان رسیدن به مقاصد مشترک رویکردها، به تبیین معیارهای هر دسته‌بندی پرداخته شد و ابزار و روش‌های تحلیلی به کار گرفته شده در هر رویکرد، مورد تحلیل قرار گرفت. در نهایت پژوهش حاضر به صورت استنباطی و با پیشنهاد ایجاد گفتمان و همگرایی در مسیر سنت‌های تحقیقاتی موجود، مبنایی تحت عنوان «مقیاس مشترک» (از طریق روش و/یا تکنیک ترکیبی روش‌های چندگانه) برای انجام پژوهش‌های آینده پیشنهاد و معرفی کرد.

مبانی نظری پژوهش

• گونه‌شناسی الگوواره‌ها و رویکردهای پژوهشی زیبایی‌شناسی در معماری

پارادایم با تعبیر «نظام علمی» به مفهوم یک جهان‌بینی و نظریه کلی است، که انسان را جمع‌به‌قلمرو هستی دارد و با توجه به آن به تفحص و بررسی جزئیات قلمرو درون آن می‌پردازد و به مثابه امر ذهنی، ساختار اندیشه و نظر را شکل می‌دهد (سلطانی، منصور و فرزین، ۱۳۹۱، ۶). در حقیقت توجه به مفهوم الگوواره (پارادایم) از حوزه یک دانش خاص و در جهت نظم‌دهی به افکار و عقاید مطرح شده و یا استفاده از یک فهم فراابزاری از پارادایم با ویژگی جهت‌دهندگی با ماهیتی راهبردی در دانش است (عسکری و بهزادفر، ۱۳۹۵، ۱۹۶). بر این مبنای، ضرورت مطالعه زیبایی‌شناسی معماری به دو دلیل اصلی مطرح می‌شود: اول، اصلی که به بحث «ذهنیت» در قضاوت زیبایی‌شناسی می‌پردازد و دوم به معنای توسعه «تئوری» معماری است. با توجه به موارد مذکور، فضای عمومی فکری حاضر در ارتباط با مفاهیمی است که از اصول نظری و تجربی گوناگون (ایده‌های مختلف محیطی، اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناسانه و غیره) فراگرفته می‌شود و ایده‌های گوناگون زیبایی‌شناسی و ارزش‌های تجربه‌شده از این نوع تفاسیر متنوع پدید می‌آیند، لذا ظهور این ایده‌ها تبدیل به نیروی محرکی در پژوهش‌ها شده که هر لحظه در حال دگرگونی‌اند. از این‌رو می‌توان اذعان کرد که استفاده از تکنیک گونه‌شناسی با هدف شناسایی و دسته‌بندی انواع گونه‌ها، می‌تواند ماهیت جداکنندگی داشته باشد و در جهت فهم بهتر رشد نظری الگوواره‌ها به شکل‌گیری یک انتظام بین‌رشته‌ای کمک کند. لذا پژوهش‌های زیبایی‌شناسی معماری را می‌توان به دو عرصه کلی تقسیم کرده است: ۱. مطالعات مفهومی و ۲. مطالعات تجربی که این دو عرصه به صورت همزمان در جهت پیشبرد و شناخت علم زیبایی‌شناسی در معماری فعال‌اند. از این‌رو برای دستیابی به مؤلفه‌های زیربنایی ضروری است که رویکردهای این مطالعات بررسی شوند.

باشد. همچنین خوانش این نگرش‌ها می‌تواند آغازگر بحث راجع به موضوعی باشد که می‌توان از آنها در توسعه مفهومی موضوعات تجربی حوزه زیبایی‌شناسی معماری بهره برد و در نهایت مبنایی را برای شناخت سنت‌های چندگانه پژوهشی در حوزه زیبایی‌شناسی معماری معرفی کند. چراکه علی‌رغم تحقیقاتی که تاکنون در رابطه با ابعاد و معیارهای مختلف زیبایی‌شناسی در معماری و کیفیت‌های مربوط به آن انجام شده است، همچنان یک روش‌شناسی معین و یا چارچوب نظری مشخص و مرتبط به این پژوهش‌ها ارائه نشده است. به طوری که مطالعات انجام گرفته عموماً به یک یا چند بعد محدود از ابعاد به‌هم‌پیوسته مفهوم زیبایی‌شناسی پرداخته‌اند، بدین معنا که منحصر بر «جنبش‌های زیبایی» در تاریخ معماری و یا بر مبانی «فرهنگی-زیستی» رفتار زیبایی‌شناسی تأکید داشته‌اند و هیچ پژوهش سیستماتیکی در خصوص حل و فصل مجموعه تئوری‌های مختلف این حوزه انجام نشده است. لذا علی‌رغم توجه علمی روزافزون به ابعاد گوناگون زیبایی‌شناسی در معماری این خلأ پژوهشی احساس می‌شود تا بتوان با تحلیل روش‌شناسی این گونه از تحقیقات روشنگر مسیرهای پژوهشی آتی بود.

در این راستا نوشتار حاضر به دنبال یافتن پاسخ برای این پرسش‌هاست که مقوله‌های اصلی پژوهش‌های معاصر در حوزه زیبایی‌شناسی معماری چیست؟ و چه معیارهای ارزیابی در تحلیل زیبایی‌شناسی رویکردها به کار گرفته شده‌اند؟

روش انجام پژوهش

تحقیق کیفی حاضر با استفاده از یک روش توصیفی و متعاقباً تحلیل محتوای کیفی تحت رویکردی تطبیقی-تفسیری به شناسایی متغیرهای اصلی موجود در روش‌شناسی پژوهش‌های شاخص و معتبر علمی پرداخته و با استدلال منطقی سعی بر تدقیق و مقایسه مبانی بینشی و نتایج تبیینی آنها دارد. در این راستا در مجموع ۸۱ پژوهش، در بازه زمانی ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۷ در قالب کتاب و مقالات معتبر علمی از طریق موتور جستجوی گوگل اسکالر شناسایی شدند. دامنه اطلاعاتی این پژوهش معطوف به مطالعاتی است که با توجه به شالوده معرفت‌شناسی آنها به طور خاص موضوع زیبایی در معماری را مورد مطالعه قرار داده‌اند. لذا به شیوه تمام‌شماری نمونه‌های در دسترس به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شد. نتایج این‌گونه از مطالعات از یک‌سو به معرفی کامل همه پژوهش‌های انجام شده درباره موضوع مربوطه می‌پردازند تا دیالکتیک رابطه بین متغیرهای پژوهش و نگرش اتخاذشده را معرفی کند و از سوی دیگر با ترسیم توانایی و کاستی رویکردهای پژوهشی، افق‌های جدیدی به روی پژوهشگران می‌گشاید. لذا در چارچوب هدف موردنظر،

بر تجربیات فردی و با استناد به فنون علمی و شبه علمی بر تحلیل همبستگی استوارند (لنگ، ۱۳۸۸، ۱۲۰) و به دنبال یافتن دو عامل هستند: ۱. عوامل زیبایی‌شناسی که منجر به پاسخ زیبایی‌شناسی می‌شوند، ۲. تفاوت سلیقه و ترجیحات نسبت به این عوامل در میان افراد متخصص و عوام که اشاره به واکنش‌های ذهنی، جسمی و رفتاری آنها دارد که ناشی از عوامل مختلف زیبایی‌شناسی است (Liu & Chuang, 2014, 2).

بنابراین می‌توان اذعان کرد که ارزیابی پاسخ‌های زیبایی‌شناسی معماری به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم محققان تجربی در جوامع پژوهشی، منعکس‌کننده فرضیاتی است که مبنی بر آن ادراک زیبایی ناشی از واکنش‌های روانشناسی مغز انسان است و پاسخ‌های پیچیده انسان عموماً تحت تأثیر محرک‌های ادراکی قرار دارند. از این‌رو ادراک زیبایی نیازمند سامانه‌های ذهنی برای تحلیل محیط و سیستم‌های حافظه مدیریت شده برای یادآوری تجربیات انسان است، که از طریق آگاهی، آموزش و جامعه توسعه می‌یابند. در نتیجه بررسی مسائل ادراکی به عنوان پایه‌ای برای درک هر تجربه زیبایی‌شناسی انسان به عنوان یک کیفیت فیزیولوژیکی یا فرهنگی-اجتماعی اهمیت می‌یابد که به عنوان ریشه و اساس تحقیقات تجربی در رابطه با موضوع زیبایی در معماری مطرح می‌شوند. از این‌رو این عرصه مطالعاتی را میتوان در قالب دو نگرش اصلی معرفی کرد: ۱. پژوهش‌های شناختی و ۲. پژوهش‌های ادراکی که به واسطه رویکردهای مختلفی معرفی می‌شوند.

۱-۲- پژوهش‌های شناختی

همانطور که بیان شد؛ پژوهش‌های «زیبایی‌شناسی تجربی» با تأکید بر واکنش‌های مرتبط با جنبه‌های نمادین، حسی و فیزیکی معماری، جایگزین نظریه‌های فرم‌گرا (تفسیری) شدند.

۱- مطالعات تفسیری: الگوواره‌های هنجاری

این عرصه از پژوهش‌ها با بسط دیدگاه‌های زیبایی‌شناسی مختلف، عمدتاً شامل مطالعاتی است که نتیجه تفاسیر فردی پژوهشگر از طریق معیارهای توصیفی/ تأویلی با اهمیتی عام است و به زیبایی‌شناسی معماری مستقل از بررسی‌های تجربی و مبتنی بر تئورهای هنجاری می‌پردازند. رویکردهای مطالعاتی مرتبط با نگرش تفسیری عبارتند از: ۱. رویکرد فلسفی؛ ۲. رویکرد عملکردگرا که با دیدگاه «زیبایی‌شناسی کارکردی» گرایشی است که به مناسبت فرم و کارکرد توجه دارد؛ ۳. رویکرد اخلاقی که با اعتقاد به مواردی چون اصول ارزشی و نمادین در جهت رسیدن به زیبایی به عنوان یک تعهد عمل می‌کند؛ ۴. رویکرد تاریخی (جدول ۱).

۲- مطالعات تجربی: الگوواره‌های اثباتی

این عرصه از مطالعات زیبایی‌شناسی معماری به عنوان موضوعات اصلی پژوهش‌های معاصر در زمینه «ادراک» محسوب می‌شوند که تأکید ویژه‌ای بر «ترجیحات محیطی» دارند. الگوهای مطالعاتی مرتبط با ترجیحات و سلیق افراد، یکی از ابزارهای توسعه درک فرآیندهای روانی است که به عنوان مبنای انتخاب‌های زیبایی‌شناسانه انسان قرار می‌گیرند. در حقیقت شناسایی و درک عوامل «تجربه ادراکی» که منجر به زیبایی‌شناسی یا لذت در فرد می‌شوند، اشاره به پژوهش‌های حوزه ادراک، شناخت و نگرش دارند که بر «تئوری‌های تجربی» متمرکز هستند و با عنوان «زیبایی‌شناسی تجربی» شناخته می‌شوند. این چشم‌انداز پویا، ایده و نظرات جدیدی را به وجود آورده که حاصل آن اصطلاحات تخصصی زیبایی‌شناسی و مسائل مربوط به آن است که در ادراک فرم/ فضا و تأثیر آن بر تجربه انسان به عنوان عامل محرک در پژوهش‌ها عمل می‌کند. این‌گونه مطالعات تجربی برای تحلیل تجربه زیبایی‌شناسی متکی

جدول ۱. مطالعات مفهومی زیبایی‌شناسی معماری. مأخذ: نگارندگان.

مطالعات مفهومی در حوزه زیبایی‌شناسی معماری			
رویکردها	گرایش‌های نظری	شاخص‌های شناختی	بنیاد پژوهش‌ها
۱. رویکرد فلسفی (Scruton, 1989; Winters, 2007)	تحلیلی/ تفسیری (مبتنی بر زیباشناسی کانت)	معیارهای عینی یا ذهنی	بنیاد پژوهش‌ها
۲. رویکرد عملکردگرا (Thakur, 2007; Shiner, 2011; Litvin, 2015)	تفسیری/ انتقادی	معیارهای فرمی در تطبیق با کارکرد زیبایی‌شناسی کارکردگرایانه (ملاحظات اجتماعی/ نمادین/ فرهنگی و غیره)	انتزاعی هنجار بنیاد
۳. رویکرد اخلاقی (Lagueux, 2004; Illies & Ray, 2016)	تفسیری/ انتقادی	معیارهای ارزشی و متعهدانه بهبود زیستی (روانی/ محیطی)	نگرش تأویلی ترجیحات فردی
۴. رویکرد تاریخی (Thomas, 2015; Bhatt, 2000)	توصیفی/ تحلیلی/ انتقادی	معیارهای تجویزی (عمدتاً عینی)	

به طور کلی رویکردهای مطالعات شناختی عبارتند از: ۱. رویکرد اجتماعی- فرهنگی^۲ که دو نوع ارزیابی زیبایی‌شناسانه در این رویکرد قابل بیان است: الف. ارزیابی محتوایی (معنا/ نشانه/ نماد)؛ ب. ارزیابی سلیقه؛ ۲. رویکرد آموزشی که شامل تحلیل ارزیابی‌های تخصص محور (تفاوت معماران و غیر معماران) می‌شود^۳ و ۳. رویکرد پایداری^۴ (جدول ۲).

۲-۲- پژوهش‌های ادراکی

مفاهیم اصلی در مطالعات زیبایی‌شناسی تجربی و ماهیت آن، منجر به دو دیدگاه در ارزیابی زیبایی‌شناسی محیط شده است: ۱. مطالعات ارزیابی‌ها و ۲. مطالعات ترجیحات (ارزشیابی). از نقطه نظر کلی، در دیدگاه مطالعات ارزیابی، کارشناسان قادر به تحلیل عینی زیبایی و ترجمه اجزای آن به الگو و معیارها هستند. به عبارت دیگر در ارزیابی برای «عینیت» و «ذهنیت»، نقش مشخصی وجود دارد و یک روند فرآیندگرا و تشخیصی است. اما مطالعات ترجیحات (ارزشیابی) در کل یک روند محصول‌گرا از طریق قضاوت و نمره و درجه است (جعفری‌ها، ۱۳۹۶، ۹۶). اگرچه به مدت متممادی رویکرد ارزیابی، غالب بود، با این حال به تدریج اثبات شد که ارزیابی محیط و جذابیت آن تحت تأثیر ملاحظات «هیجانی» افراد قرار دارد که اساساً به مسئله «ادراک» وابسته است. بنابراین از این زمان به بعد، با توجه به مسئله ادراک انسان، رویکرد ترجیحات (اولویت‌سنجی) در مطالعات به کار گرفته شدند و روانشناسی محیطی با تحلیل تعامل انسان-محیط یک چارچوب مرجع را برای اکثر پژوهش‌ها ارائه کرد (Galindo & Rodriguez, 2000, 14).

مطالعه فرآیندهای عاطفی، یک زمینه تحقیقاتی رایج در مطالعات تجربی محسوب می‌شوند و با فرض قراردادن ارتباط قضاوت‌ها و ترجیحات با کارکرد روانی افراد به شناسایی ویژگی‌های بارز این موضوع می‌پردازند. این مطالعات دو روش را دنبال کرده‌اند: ۱. شناسایی مزایای روانی اصلی ارتباط (تعامل) با محیط با ارزش زیبایی‌شناسی بالا (Parsons, 1991) ۲. تأکید بر تحلیل مؤلفه‌های ذهنی بهزیستی انسان برای کشف رابطه میان ارزیابی‌ها و قضاوت‌های ترجیحات محیطی و سایر پاسخ‌های عاطفی مربوطه (Herzog & Bosley, 1992) و (Staats, Gatersleben & Hartig, 1998) که دسته دوم، مطالعات مهمی محسوب می‌شوند. در کل رویکردهای مرتبط با این پژوهش‌ها عبارتند از:

۱. رویکرد نظریه-اطلاعات^۵؛ ۲. رویکرد روانتنی؛ (جدول ۳) ۳. رویکرد هیجانی^۶: این رویکرد تجربی تلاش کرد تا متغیرهای فیزیکی/بصری مربوط به فرم خارجی و داخلی معماری را به نگرش‌ها و اولویت‌های ذهنی ارتباط دهد و به بررسی رابطه بین همبستگی فیزیکی و بعد روانی آن بپردازد (جدول ۴).

چنین نگرشی در تضاد با تفاسیر فلاسفه زیبایی‌شناسی از جمله «اسکروتن» بود که نسبت به نسبی‌نگری زیبایی‌شناسی انتقاد داشت. در نتیجه تفاسیر فردی در زیبایی‌شناسی معماری، عمدتاً به وسیله رویکردهایی که ترجیحات محیطی را ناشی از ساختارهای اجتماعی (ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی) می‌دانست، سرکوب شد. این فرمول‌بندی جدید تحت عنوان «زیبایی‌شناسی اجتماعی» به رشد تصاعدی پژوهش‌هایی منجر شد که در تلاش بودند تا معانی اجتماعی محیط را استخراج کنند. در نتیجه پیامدهای منطقی این رویکرد بررسی این موضوع بود که چگونه ترجیحات محیطی (ادراکات و نگرش‌ها) بین گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی واگرایی پیدا می‌کند (Pitt & Zube, 1987; Hubbard, 1996).

لذا می‌توان گفت رویکرد شناختی، موضوع ادراک زیبایی در معماری را نتیجه «آگاهی» انسان می‌داند و شامل توسعه طرح‌های تحقیقاتی برای استخراج دانش جامع و پویا در خصوص اثر عوامل خارجی و فردی چندگانه (شخصی- اجتماعی) است که موجب تأثیرات متفاوتی بر ادراکات زیبایی می‌شوند. در حقیقت مدل‌های شناختی، بیشتر تحت تأثیر «ملاحظات کاربردی» قرار دارند و متداول‌ترین هدف پژوهشگران، توسعه چارچوب‌های مفهومی و نظری است که به آنها امکان کشف و توصیف اصول روانی و فرآیندهایی را می‌دهد که توجیه‌کننده «ترجیحات زیبایی‌شناسی» انسان است. غالباً این محققان از شاخص‌های اندازه‌گیری حاصل از روابط علی بین تغییرات محیط و اثرات روانی آن استفاده می‌کنند.

در این راستا، نظریه زیبایی‌شناسی محیطی بیان می‌کند که کسب دانش درباره عملکردهای محیط منجر به شکل‌گیری ترجیحات می‌شود (Carlson, 2000). در حقیقت «شناخت» در این رویکردها شامل فرآیند درونی دریافت اطلاعات (دانش) در پروسه ادراک است، لذا ادراک و شناخت دارای ارتباطاتی احتمالی با یکدیگر و با شخصیت فیزیکی محیط هستند. این احتمالات نتیجه برهم‌کنش جاری بین فرد و محیط است. از این رو انسان‌ها به خاطر شرایط زیستی، فرهنگی و محیطی دارای نقاط اشتراکی در واکنش ارزیابانه خود به محیط هستند (نسر، ۱۳۹۳، ۳۷). چارچوب نظری احتمال‌گرایانه نسر (۱۹۹۷)، رابطه بین عامل زیبایی‌شناسی و پاسخ را براساس تعامل‌گرایی انسان-محیط توضیح می‌دهد و بیان می‌کند که پاسخ زیبایی‌شناسی انسان دارای ارتباط احتمال‌گرایانه‌ای است که موجب شناخت یک متغیر مداخله‌گر کلیدی در طی فرآیند ادراک می‌شود. این پاسخ‌ها از دیدگاه‌های شخصیتی، اجتماعی، تجربه فرهنگی، هدف، انتظار و دیدگاه‌های ذهنی-عینی با همه احتمالات متفاوت، متغیر هستند (Liu & Chuang, 2014, 2).

جدول ۲. رویکردهای شناختی در پژوهش‌های زیبایی‌شناسی معماری. مأخذ: نگارندگان.

رویکردهای پژوهش‌های شناختی در حوزه زیبایی‌شناسی معماری				
رویکردها	گرایش‌های نظری	شاخص‌های شناختی	بنیاد پژوهش‌ها	
۱. رویکرد اجتماعی/ فرهنگی (Pur- Groves & Throne, 1988 ; Groves & Throne, 1988 ; Pur- cell, et al. 1994, 1998)	نشانه‌شناسی ارزیابی محتوایی (وجه معنایی) (Hubbard, 1996)	تفسیری (حوزه علوم اجتماعی)	معیارهای عینی یا ذهنی	۱. زیبایی‌شناسی اجتماعی ۲. روش‌های کمی ۳. نگرش تحلیلی ۴. ترجیحات عمومی ۵. تخصص محوری
۲. رویکرد آموزشی شکل‌گیری ترجیحات محیطی از طریق ساختارهای دانش به صورت اجتماعی مبتنی بر آموزش و فرهنگ (Galindo & Hidalgo, 2005; Danaci, 2012, 2015; Mahdavinejad, Bahtooei, Hosseinikia, Bagheri, Motlagh & Farhat, 2013; Uzunoglu, 2012; Mako, 2012).	ارزیابی سلیقه‌ای (تحت تأثیر فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و رسانه) (Mann, 1979; Groat, 1988; Saunders, 1999)	تفسیری - تحلیلی (ارزیابی‌های تخصص محور)	معیارهای آگاهی، شناخت و تجربه	Groat, 1982 ; Herzog, 1992;) (Purcell & Nassar, 1992) ۶. ارزیابی افراد از یک موضوع واحد بر حسب سن (Delvin, 1994) ، جنسیت (Stamp III, 1999) ، طبقه اجتماعی (Wilson, 1996) ، شباهت جغرافیایی و فرهنگی
۳. رویکرد پایداری ارتباط با آگاهی زیست‌محیطی در حیطه اکولوژی و ارتباط آن با اصول زیبایی‌شناسی (Kquofi & Glover, 2012; Roeser, 2013; Fazeli & Shakarami, 2014)	تحلیلی - انتقادی	معیارهای ارزشی و اخلاقی		

می‌شود. چراکه همگی سنت‌ها بر معرفت‌شناسی ویژه خود متکی هستند و اصول زیبایی‌شناسی از نقطه‌نظر آنها دارای معانی متفاوتی می‌شود و براساس چارچوب‌های نظری متفاوتی درک می‌شوند. مفاهیم زیبایی در پژوهش‌های اولیه با نگرشی تفسیری از زیبایی‌شناسی عینی همراه بود و رویکرد فرم‌گرا با ارزیابی کلی از اولویت‌های بصری یک پارادایم غالب در طی این مطالعات محسوب می‌شد. در حقیقت این نوع ارزیابی‌های مفسر محور از منحصربه‌فرد بودن ماهیت ضمنی فرضیاتی که بر آنها استوار بود، رنج می‌برد. تا اینکه به تدریج توسعه پژوهش‌های پیچیده‌تر موجب گسترش مفاهیم ادراکی شد و توجهات از اتکاء صرف بر علائم بصری معماری به سوی درک رابطه بین شیء زیبا (اثر معماری) و ادراک‌کننده تغییر یافت. بعد از این کم‌کم مسئله بروز احساس خوشایند همگانی (عمومی) مبتنی بر ادراکات محیطی شکل گرفت و از سوی دیگر این مسئله خود منجر به ایجاد بحث‌های قطبی‌سازی عینیت/ذهنیت و توسعه آن شد تا توجه از توسعه مدل‌های تفسیری که مبتنی بر تفاسیر فردی پژوهشگر بود، منحرف شود و در همین راستا مسیرهای پژوهشی متنوعی بروز یافتند. لذا در پاسخ به پرسش‌های پژوهش باید گفت که به طور کلی مقوله‌های اصلی پژوهش در حوزه زیبایی‌شناسی

۴. رویکرد پدیدارشناسانه^۱: این دسته از پژوهش‌های تجربی که ترکیبی از پدیدارشناسی و روانشناسی محیطی‌اند، از طریق تجربه و کیفیت توصیفی آن به تفسیر و تأویل مفهومی (فکری-احساسی) موضوع زیبایی می‌پردازند. «اسمیت» در بنانه‌دان ارزیابی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی معماری از طریق چارچوب تحلیلی، مکانیزم‌هایی که در پاسخ زیبایی‌شناسی (ذهن-معماری) دخیل هستند، همچون تئوری تکاملی، زیست‌شناسی و روانشناسی عصبی را در نظر می‌گیرد و با گسترش مسائل فلسفی ادراک در مورد چگونگی تجربه معماری در سطح ناخودآگاه، به موضوع شهود و بینش معماری می‌پردازد (Smith, 2003)؛ (جدول ۵) و ۵. رویکرد زیبایی‌شناسی عصبی^{۱۰}، این رویکرد به مطالعات فرآیندهای عصبی در رفتار هنری انسان یا مراحل عصبی در تجربه زیبایی‌شناسی (متغیرهای عاطفی یا شناختی) می‌پردازد. (مالگریو و گودمن، ۱۳۹۴، ۳۴۳)؛ (جدول ۶).

بحث

پژوهش‌های معماری در رویکرد خود نسبت به موضوع زیبایی‌شناسی، عمدتاً دیدگاه بین‌رشته‌ای دارند و بر مبنای طیف وسیعی از سنت‌های پژوهشی یک تأکید کلی بر شناخت راهبردهای تحقیقاتی برگرفته از سایر علوم ملاحظه

جدول ۳. رویکردهای مطالعات تجربی پژوهش‌های زیبایی‌شناسی معماری. مأخذ: نگارندگان.

رویکردهای نظریه - اطلاعات و روان‌تنی در حوزه پژوهش‌های زیبایی‌شناسی معماری			
رویکردها	گرایش‌های نظری	شاخص‌های شناختی	بنیاد پژوهش
<p>۱. رویکرد نظریه - اطلاعات</p> <p>روانشناسی گشتالت</p> <p>۱. نظریه تجربه‌گرایی فرم، مولس (۱۹۶۶)</p> <p>۲. نظریه ادراک بصری آرنه‌ایم گروتز ای. موال (۱۹۷۳)</p> <p>۱. شاخص آنتروپی^{۱۱} (Minai, 1993)</p> <p>۲. زیبایی‌شناسی فرمی (متغیرها: الف. پیچیدگی بصری، ب. نظم: وحدت و شفافیت و پ. متغیرهای فضایی: گشودگی و آرایش) (Liu & Chuang, 2014, 3)</p>	<p>۱. تحلیلی - تفسیری</p> <p>۲. تحلیل گشتالتی از خواص فرم و بیان (ادراک بصری)</p>	<p>عینیت‌گرا</p> <p>کیفیت بیانی فرم</p>	<p>روش کمی</p> <p>نگرش تحلیلی</p>
<p>۲. رویکرد روان‌تنی</p> <p>۱. برلین: زیبایی‌شناسی و زیست‌شناسی روانی (۱۹۷۱)</p> <p>اصول عمومی رفتار زیبایی‌شناختی افراد در رابطه با محیط ارتباط سطح انگیزش و ساختار محیط (ماهیت روانی-فیزیکی، اکولوژیکی، ساختاری و اجتماعی)، شخصیت، انگیزش و فرد^{۱۲} (لنگ، ۱۳۸۸، ۲۱۱)</p> <p>۲. ولویل (۱۹۷۶) مقایسه پیچیدگی و ترجیحات زیبایی‌شناختی محیط (Wohlwill, 1976)</p>	<p>۱. تحلیل پاسخ‌های عاطفی و فعالیت‌های اکتشافی اختیاری</p> <p>۲. تحلیل نمود ذهنی و بیولوژیکی فرد</p>	<p>ابعاد انگیزشی رفتار و ویژگی محرک‌های محیطی، متغیرها: تازگی - آشنایی، پیچیدگی - سادگی، پایداری - تغییرپذیری (Galindo & Corraliza, Rodríguez, 2000, 15)</p>	

جدول ۴. رویکردهای عاطفی پژوهش‌های زیبایی‌شناسی معماری. مأخذ: نگارندگان.

پژوهش‌ها	ارزیابی احساسی مؤلفه‌های فیزیکی / فضایی معماری در رویکرد عاطفی	بنیاد پژوهش‌ها
(Herzog, Kaplan & Kaplan, 1982)	ارزیابی احساسی از مکان‌های شهری نا آشنا	مطالعات جیمز راسل و اسنودگراس (۱۹۸۷)
(Ghomeshi, Nikpour & Jusan, 2012) (Ghomeshi & Jusan, 2012)	بررسی خواص شناختی نماها مبتنی بر جنبه فیزیکی ساختمان و متغیرهای وابسته به آن	هدف ارزیابی‌های عاطفی و واکنش‌های احساسی محیط از طریق دو مؤلفه اصلی ۱. مسرت‌بخشی (ارزش احساسی) و ۲. برانگیختگی (شدت اثر) (Russell & Mehrabian, 1978; Russell & Pratt, 1980; Russell et al, 1981; Russell & Lanius, 1984)
(Weber, Schnier & Jacobsen, 2008) (Gjerde, 2010) (Jennath & Nidhish, 2016)	تأثیرات بصری فرم معماری و قضاوت‌های زیبایی‌شناسی	۱. روش‌های عمومی برای ارزیابی کلیت عناصر معماری از طریق معیارهای ارزیابی ذهنی و روش‌های کمی اندازه‌گیری محتوای ادراکی/هیجانی و ترجیحات افراد
(Alp, 1993) (Liu & Chuang, 2014)	مؤلفه‌ها و پاسخ‌های زیبایی‌شناسی به فضاهای داخلی	
(Stamps III, 1995)	معیارهای برانگیختگی ترجیحات محیطی	
(Bishop, 2007, 65)	واکنش‌های زیبایی‌شناختی به معماری از طریق بررسی مدل‌های ارزیابی (ترجیحات به‌واسطه تفاوت یا آشنایی)	

شناخت ترجیحات آثار معماری در حوزه‌های مذکور، بیانگر نمونه‌ایی از تحلیل ارزیابی‌هایی است که به صورت مدل‌های شناختی و/یا عاطفی طبقه‌بندی می‌شوند. این مطالعات یک ابزار تفسیری و یا تجربی برای درک حالاتی است که با کارکرد روانی فرد ارتباط دارند و عمدتاً در تلاش‌اند تا ویژگی‌های کیفی یک مکان را با تجزیه و تحلیل پاسخ‌های افراد درک کنند. در نتیجه ارزیابی‌های حاصله به عنوان یک

معماری شامل دو عرصه اصلی است: ۱- حوزه علوم نظری و ۲- حوزه علوم تجربی. این عرصه‌ها از دیدگاه عمومی، دو هدف اصلی که ریشه در زمینه‌های تخصصی متمایزی دارند، دنبال می‌کنند: ۱- ماهیت آکادمیک، جهت توسعه چارچوب‌های نظری برای توضیح مفهوم زیبایی‌شناسی، ۲- به‌دست آوردن نسبی برخی از شاخص‌های عینی-ذهنی ارزیابی کاربران از قضاوت‌های آثار معماری. به طور کلی

جدول ۵. رویکرد پدیدارشناسی پژوهش‌های زیبایی‌شناسی معماری. مأخذ: نگارندگان.

پژوهش‌ها	بررسی تجربه زیبایی‌شناسی معماری در رویکرد پدیدارشناسی	بنیاد پژوهش‌ها
کتاب معماری شادمانی (دوباتن، ۱۳۸۸)	ویژگی زیبایی‌شناسانه را در قالب مفاهیمی چون نظم، توازن، ظرافت، انسجام و خودشناسی با نگرشی فلسفی/روانشناسانه و تأکید بر مکانیسم‌هایی که در پس واکنش‌های ناخودآگاه از معماری نهفته، ارائه می‌دهد.	۱. ارزیابی محتوای هیجانی فضای معماری ۲. سنجش تجربه عاطفی فرد ۳. نگرش انسان‌محوری
کتاب پویایی لذت: معماری و زیبایی‌شناسی (Smith, 2003)	ارزش تجربه زیبایی‌شناسی و توضیحات علی از لذت نظری را بررسی کرده و با ارائه ابزار ذهنی بر جنبه‌های کیفی فرم و فضا با هدف بالابردن ترجیحات محیط تأکید می‌کند.	۴. تأکید بر مفهوم همدلی در ادراک زیبایی ۵. عمدتاً تحلیل‌های کیفی در شرایط میدانی (از طریق سؤالات باز) ۶. اهمیت کیفیت زیبایی ۷. نگرش توصیفی - تفسیری ۸. تجربه‌گرا ۹. غیر عینی
مطالعات بوهم (Böhme, 1993, 2017)	گسترش مفهوم اتمسفر زیبایی‌شناسانه در معماری	
مطالعات بردموز (Bermudez, 2017; 2015; 2013; 2012; 2011)	تجربه‌های شگفت‌انگیز (غیر معمول) معمارانه	
(پالاسما، ۱۳۹۴)، (هال، پرز-گومز و پالاسما، ۱۳۹۴) (مالگریو، ۱۳۹۵)، (پرزگومز، ۱۳۹۷)	تأکید بر تجربه حسی/جسمانی در ادراک زیبایی	

جدول ۶. رویکرد عصب‌شناسی در پژوهش‌های زیبایی‌شناسی معماری. مأخذ: نگارندگان.

پژوهش‌ها	بررسی تجربه عاطفی در زیبایی‌شناسی معماری در رویکرد عصب‌شناسی	اهداف پژوهش
(Parsons, 1991)	پارسونز، اولین بار ابعاد تجربه زیبایی‌شناسی را به تغییرات فیزیولوژیکی نسبت داد.	۱. ارزیابی عاطفی، محتوای هیجانی و فرآیندهای شناختی محرک‌های معماری
(Tsutsumi & Sasaki, 2007)	ارزیابی احساس زیبایی‌شناسی از طریق شکل سقف	
Vartanian, et al., 2013, 2015)	اثرات شکل و ارتفاع سقف و همچنین خطوط آسمان در قضاوت زیبایی‌شناسی و تصمیمات اجتناب/نزدیکی	۲. مطالعه واکنش‌های رفتاری
(Vannucci, Gori & Kojima, 2014)	بررسی توالی فضایی و اثرات آن بر قضاوت‌های زیبایی‌شناسی به صورت میان فرهنگی	۳. دستیابی به پردازش‌های عصبی و همبستگی‌های حسی/بصری در مغز
(Bittermann & Ciftcioglu, 2016)	تأثیر رنگ و ادراک بصری معماری	۴. سنجش تجربه عاطفی معماری
		۵. تحلیل‌های کمی در شرایط میدانی و آزمایشگاهی ویژه

که نشان‌دهنده ارزیابی کیفیت‌های زیبایی‌شناسی محیط از منظر کاربران فضا با هدف به دست آوردن ترجیحات عمومی در یک بستر مشترک اجتماعی-فرهنگی است. ۲- مقیاس عاطفی در پژوهش‌های ادراکی که عمدتاً برای اندازه‌گیری واکنش هیجانی فرد به کار می‌روند.

در تکمیل پاسخ به پرسش دوم پژوهش می‌توان گفت که معیارهای ارزیابی‌های زیبایی‌شناسی معماری تحت‌تأثیر دو عنصر از نظر مفهومی قرار دارند: ۱- قضاوت و ۲- تجربه. قضاوت یک ارزیابی ساختاری بین‌الذاتانی از تجربه است که تحت‌تأثیر فرآیندها و عوامل متعددی قرار می‌گیرد. در

واحد تجزیه و تحلیل برای ایجاد انواع مدل‌های پیشبین از کیفیت‌های عینی-ذهنی محیط استفاده می‌کنند.

لذا رویکردهای پژوهشی، عمدتاً با هدف کشف میزان انعکاس یک یا چند متغیر در ارزیابی‌ها (بر طبق نوع تفسیر پژوهشگر یا قضاوت کاربران) دو مقیاس را برای معیارهای ارزیابی به کار می‌برند که عبارتند از: ۱- مقیاس توصیفی در مطالعات تفسیری که عمدتاً به پیکربندی فضایی و ویژگی‌های فیزیکی-روانی محرک‌های بصری می‌پردازند و ۲- مقیاس‌های مرتبط با مطالعات تجربی که در دو دسته‌بندی قرار می‌گیرند: ۱- مقیاس ارزشی در پژوهش‌های شناختی

اهمیت روابط متعدد در تجربه ادراکی آگاهانه تأکید می‌کند و تجربه‌های زیبایی‌شناسی را اغلب به صورت نتیجه مثبت یک دستاورد موفق تفسیر می‌کند که ناشی از شیء و اثر متقابل انسان با آن است (Saito, 2008, 461). بنابراین با فرض اینکه کل محیط سامانه‌ای ادراکی است، یگانگی انسان و معماری (از طریق تعامل) می‌تواند به عنوان تجلی مداومی از مفهوم «تجربه زیبایی‌شناسی» درک شود. مفهومی که آگاهی از رابطه بین شیوه‌های عملکرد حواس در ادراک معماری و شیوه فعل و انفعال آن با فرآیندهای شناختی-عاطفی در ادراک زیبایی‌شناسی را به عنوان امری ضروری در نظر می‌گیرد (تصویر ۱).

لذا این پژوهش با دربرگیری یک بستر روش‌شناسی کلی از مطالعات نظری و تجربی ارائه شده و با بررسی ماهیت قضاوت‌های زیبایی‌شناسی معماری در چارچوب مواضع مختلف به شناسایی نگرش‌های تجربه‌محور پرداخت و در مطالعات یافته‌ها در مطالعات تفسیری، رویکرد فلسفی و در مطالعات تجربی، رویکردهای عاطفی، پدیدارشناسی و عصب‌شناسی در نگرش خود به موضوع زیبایی‌شناسی در معماری بر محوریت تجربه انسان تمرکز بیشتری دارند (تصاویر ۲ و ۳). از این رو لازم است پژوهشگر برای دستیابی به اثبات نظری و رسیدن به مؤلفه‌های زیربنایی زیبایی‌شناسی در معماری، رویکردهایی کل‌نگرانه اتخاذ کند. یعنی ترکیبی از دانش تفسیری و تجربی که به وسیله آن کیفیت‌های مطلوبیت محیطی و ارزش‌های حاصل از آن قابلیت ارزیابی پیدا می‌کنند. لذا می‌توان شاهد نتیجه‌ای جامع از طریق ترکیب رویکردهای اثباتی و هنجاری در راستای رسیدن به دقت بالای تحلیلی بود. چراکه ادغام نگرش‌های مختلف، پتانسیل‌های بالایی به عنوان یک کانون تبادل برای شناخت نظام‌های فکری جدید جهت ارزیابی‌های زیبایی‌شناسانه ارائه می‌کنند و امکان ارائه فرضیات نظری جدید مبتنی بر «انسان‌محوری» را فراهم می‌کند. پس سنت‌های روش‌شناسی نیازمند شناخت عمیق مفهوم «تجربه زیبایی‌شناسی» هستند تا در جهت دستیابی به ادراک افراد از احساس خوشایندی در فضاها به موفقیت نائل شوند. لذا نگرش‌های زیبایی‌شناسی که قادر به ادغام با مدل‌های نظری مختلف هستند، این قابلیت را دارند تا از رویکردهای تحلیلی یا تفسیری صرف به سمت تجربه‌گرایی با محوریت «انسان» حرکت کنند که همزمان می‌توانند شامل درک تجربی و هنجارهای تفسیری قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها شوند.

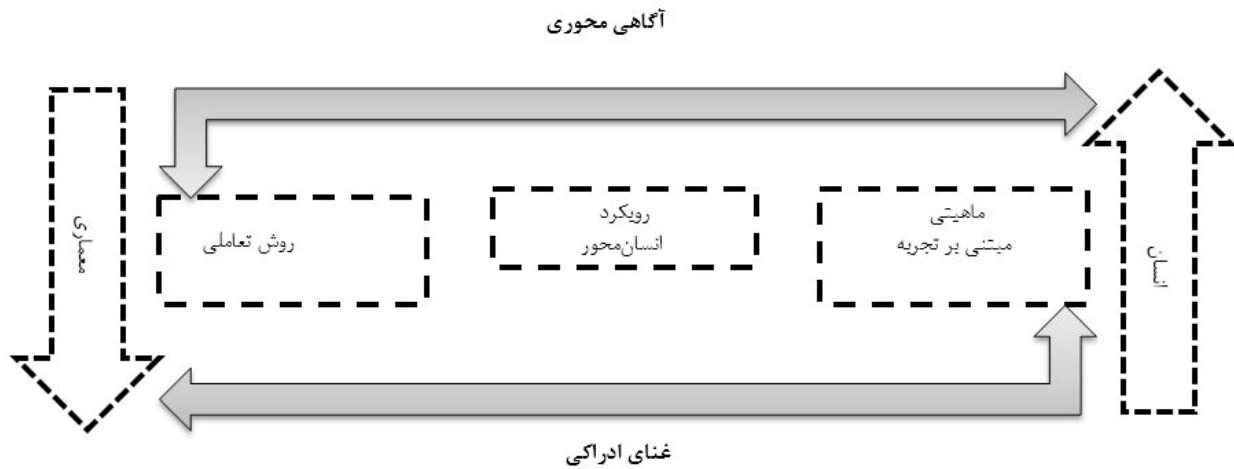
نتیجه‌گیری

واکاوی رویکردهای پژوهشی زیبایی‌شناسی معماری نشان داد که در باب اقتدا به یک معیار یا نظر نمی‌توان یک دیدگاه

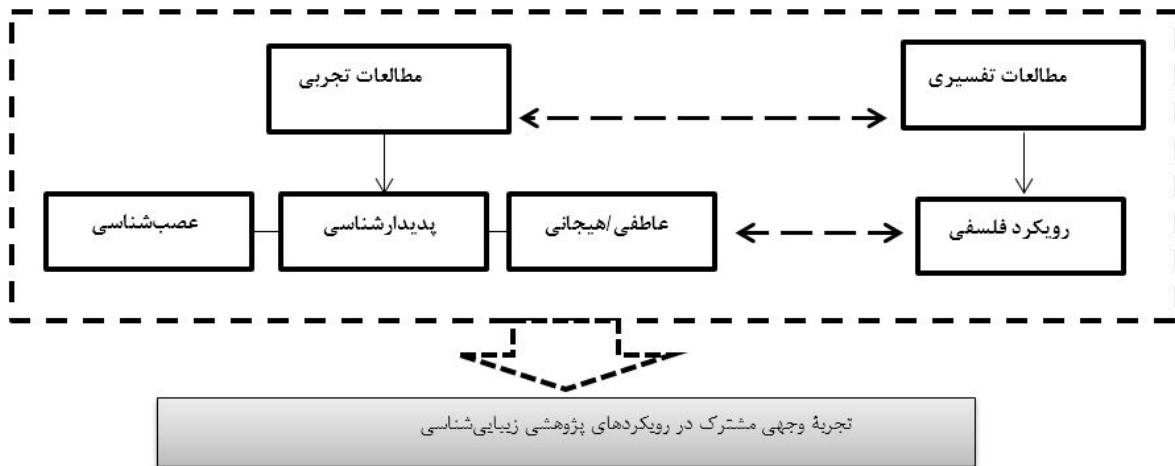
توضیح بیشتر این موضوع باید چنین بیان کرد که مطالعات تفسیری به بررسی زیبایی مبتنی بر دیدگاه‌های نظری مختلف با توجه به اهمیت «قضاوت» در تحلیل‌ها تأکید دارند و چون زیبایی‌شناسی ذاتاً موضوعی ذهنی است، روش مفسر، جایگاه محقق را به عنوان یک خبره و با در نظر گرفتن موضع تفسیری در رابطه با دنیای زیبایی‌شناسی سایرین فرض قرار می‌دهد. ولی بین‌الذهانی بودن قضاوت‌های زیبایی‌شناسی، چالشی را برای پژوهش‌های تفسیری زیبایی‌شناسی معماری از جمله زمینه‌بخشی اجتماعی-فرهنگی از منظر انسان ایجاد می‌کند. لذا مواجهه‌های زیبایی‌شناسی در مطالعات شناختی-عاطفی به طور ذهنی «تجربه» شده و به صورت فردی مجسم می‌شوند و بخشی از این مواجهه‌ها به صورت ادراکی/اجتماعی-فرهنگی شکل می‌گیرند.

لازم به توضیح است پژوهش‌های شناختی (که حاوی مدل‌های اجتماعی-فرهنگی است، محیط را محصول تفسیرهای انسان تعلیم دیده به لحاظ اجتماعی می‌داند)، نقشی برای فرآیندها و ویژگی‌های زیستی انسان باقی نمی‌گذارند. اما رویکرد ادراکی، توازن مطلوب‌تر را بین مؤلفه‌های زیستی-فیزیکی و ادراک-قضاوت برقرار می‌کند. از این رو ضروری به نظر می‌رسد که پژوهش‌ها، ویژگی‌های زیستی-فیزیکی محیط را به صورت محرک‌هایی در نظر گیرند که واکنش‌های روانی مرتبط با زیبایی‌شناسی را از طریق فرآیندهای ادراکی و یا از طریق ساختارهای شناختی (اجتماعی-فرهنگی) مداخله‌گر برانگیزند. در نتیجه می‌توان چنین استدلال کرد که به طور کلی در پژوهش‌های ادراک زیبایی، «قضاوت» و «تجربه» به عنوان موضوعی به هم پیوسته مطرح می‌شوند، که این قابلیت را دارند تا تمام ظرفیت‌های شناختی، ادراکی و احساسی فرد را شامل گردند. لذا ضروری به نظر می‌رسد که معیارهای ارزیابی رویکردهای زیبایی‌شناسی، باید بیانگر قضاوت‌هایی باشند که همزمان به نوبه خود بر تفسیر و ادراک تجربه فرد استوارند. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان ادعان کرد که پژوهش‌های آتی، نیازمند وجود یک «مقیاس مشترک» در خصوص ارزیابی‌های زیبایی‌شناسی در آثار معماری هستند. مفهومی که در آن ویژگی‌های زیستی انسان و ویژگی‌های فیزیکی محیط به عنوان مؤلفه‌های ضروری با یکدیگر در تعامل قرار گیرند. بدین ترتیب، در نتیجه این تعامل، خصوصیات ادراکی منتج از «تجربه» انسان از محیط یعنی «تجربه ادراکی» محیط در فهم زیبایی‌شناسی اثر مورد توجه واقع می‌شوند.

در توضیح بیشتر آنچه بیان شد؛ در حوزه زیبایی‌شناسی محیطی، به اعتقاد برلینت، اگرچه شرط لازم تجربه زیبایی فهم محیط از طریق حواس است، تنها ادراک موجب ارتقاء شناخت از زیبایی نیست، بلکه قلمرو ادراکی است که آگاهی به زیبایی را شدت می‌بخشد (Berleant, 2013)، همچنین بر



تصویر ۱. نگرش کلی به رویکردهای پژوهشی انسان محور در زیبایی شناسی معماری. مأخذ: نگارندگان.



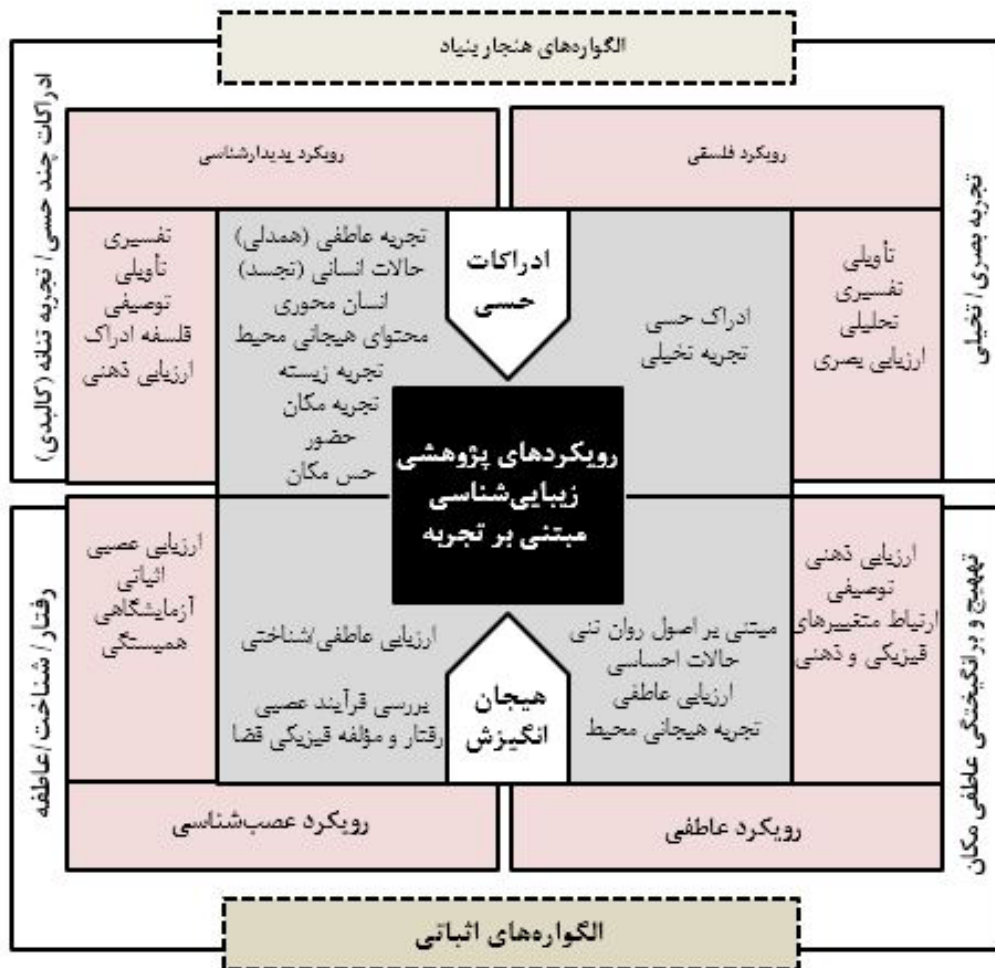
تصویر ۲. تجربه محوری در رویکردهای مختلف پژوهشی. مأخذ: نگارندگان.

با تأکید بر یک یا چند ویژگی مشخص از ابعاد به هم پیوسته و پیچیده زیبایی، فهم زیبایی شناسی معماری از منظر انسان فراهم نمی شود و ضروری است تا درک مفهوم «تجربه زیبایی شناسی» به عنوان یک اصل کلی در جهت ادراک خوشایندی از اثر معماری مورد توجه قرار گیرد.

چراکه در طول زمان، زیبایی شناسی معماری، مفهومی پیچیده و متشکل از ساختارهای نظری تعاملی، استنباطها و استخراج معانی نمادین، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، الزامات اخلاقی، ارزشها و غیره بوده است. لذا لزوم توسعه روشهای ارزیابی مبتنی بر «تجربه» انسان موجب می شود تا عملاً همه جوانب تجربیات محیطی از جمله ادراک خوشایندی محیط را در برگیرد. از طرفی درک چستی مفهوم زیبایی هنوز به طور دقیق شفاف نشده و از طرف دیگر یک توصیف علمی دقیق از ماهیت تجربه معماری هنوز توسعه نیافته است. لذا شفاف سازی مراحل ادراک زیبایی در معماری، نیازمند

را برتر دانست و اجماع هم ممکن نیست. زیرا ارزش گذاری اثر معماری به آگاهی، گسترده عوامل ادراکی مختلف و منعطف بودن در فهم امر معماری باز می گردد. لذا تاکنون محققان به یک اجماع کلی در خصوص روشهای ارزیابی زیبایی در معماری نرسیده اند و این عدم سامان یافتگی در روش شناسی، ناشی از ابهام در بحث ماهیت زیبایی در معماری است که از تفاوت در سیستمهای تحلیلی توسعه یافته نشأت می گیرد.

به این ترتیب گونه های پژوهشی موجود به صورت تطبیقی مورد بحث و دست بندی قرار گرفتند، تا شناخت گستره روش شناسی این حوزه امکان پذیر شود. در حقیقت رویکردهای مورد بررسی نه تنها با یکدیگر ناسازگار نیستند، بلکه می توانند مکمل یکدیگر بوده و هر کدام بیان هایی از زیبایی شناسی معماری ارائه کنند. بدین معنا که هر رویکرد نظری کماکان در محدوده خود قابل پذیرش است، اما تنها



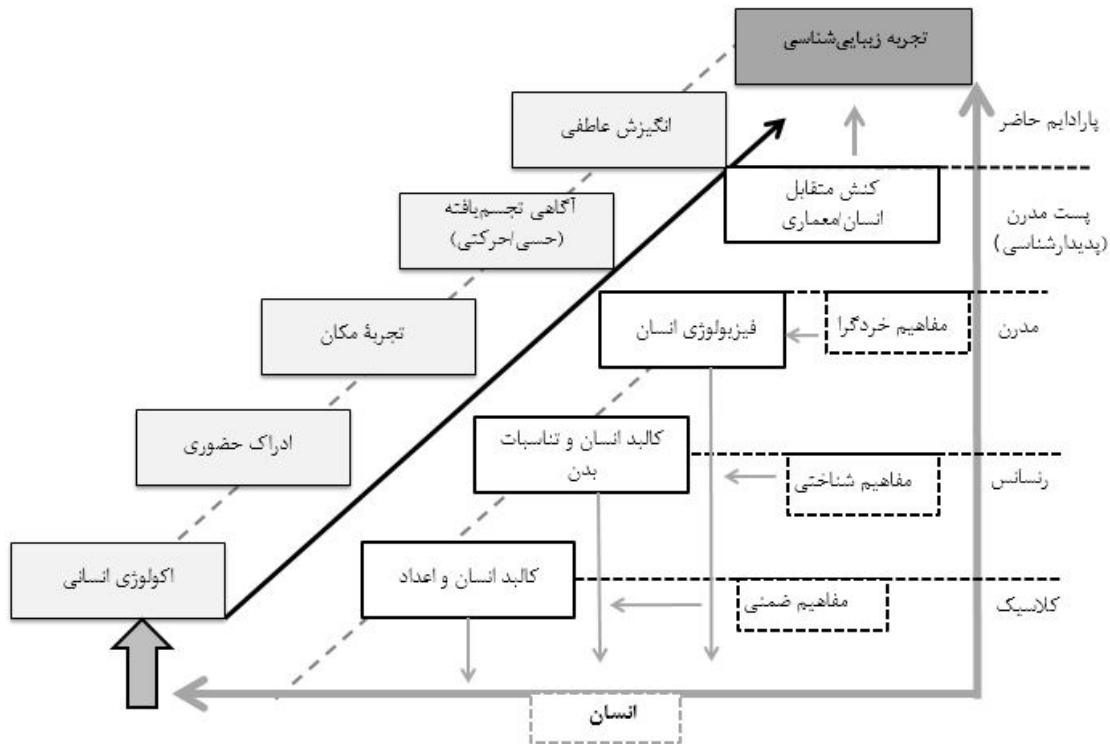
تصویر ۳. ساختار رویکردهای پژوهشی زیبایی‌شناسی مبتنی بر محوریت تجربه انسان. مأخذ: نگارندگان.

تئوری‌های تفسیری، محقق را قادر به تمایز بین درجات مختلف زیبایی‌شناسی معماری از منظر ادراک انسان نسازد و این شیوه تحلیل و توجیه آن شکلی تفسیری، تک‌بعدی و محقق‌محور به خود می‌گیرد که به شناختی انتزاعی می‌انجامد. حقیقت این است که این‌گونه توجیحات انتزاعی از زیبایی موجب جدایی واقع‌گرایی دانش و تجربه‌های زیسته افراد می‌گردد و زیبایی‌شناسی معماری نایستی از شناخت نقش تأثیرگذار «تجربه» غافل بماند. لذا بررسی ارزش‌های مبتنی بر ساختار «تجربه زیبایی‌شناسی» همراه با ابعاد شناختی/ ادراکی/ هیجانی اثر معماری که مبتنی بر تعامل با فضاها است، به عنوان یک ضرورت اساسی محسوب می‌شود، چراکه مطالعات آتی، نیازمند شناخت دنیای واقعی انسان و آثار معماری برای معناداری بیشتر پژوهش‌ها هستند. با چنین توصیفاتی مفهوم‌سازی در خصوص رویکردهای مطالعاتی زیبایی‌شناسی معماری، باید فراتر از ترجیحات شناختی و یا ادراکی انسان و ارزیابی بلافصل یک اثر (که در

مطالعات بیشتر مباحث مربوط به درک تجربه انسان از معماری است. از این‌رو پژوهش حاضر در درجه اول بر گسترش و توسعه یک زبان علمی مشترک و همه‌جانبه به عنوان یک راهکار برای بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌رشته‌ای برای درک بحث تجربه معماری تأکید دارد تا بتواند در جهت فهم بهتر مرزهای روش‌شناسی در حوزه تجربه زیبایی‌شناسی کارساز باشد. بدین معنا که لازم است تا چارچوب‌های گسترده‌تری برای درک مبحث شکل‌گیری تجربه در معماری جهت فهم بهتر ادراک زیبایی ساماندهی شود. چراکه تعداد کمی از مسیرهای تحقیقاتی تجربی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند، نشان دادند که ادراک زیبایی‌شناسی معماری در حقیقت بازنمودی از ادراک تجربه آن از منظر انسان‌محوری است. در واقع گزینش نگرش تک‌بعدی در رویکردها موجب می‌شود تا برخی ارزیابی‌ها از قضاوت‌های اخلاقی تا

رویکردهای انسان‌محور و با در نظر گرفتن ادراک چندگانه و پویا در بستری از یک گفتمان زیست‌محور، فعال، مشارکتی و تجربی به مطالعات زیبایی‌شناسی بپردازند، چراکه این مفهوم نیازمند شناخت دیدگاه عمیقی از بحث ادراک زیبایی از منظر «تجربه ادراکی» انسان است (تصاویر ۴ و ۵).

یک بافت متحدالمرکز، منفعل، شیء محور است) بسط یابد. لذا لزوم توسعه حوزه‌های روش‌شناختی ارزیابی‌های مبتنی بر «تجربه» انسان از محیط موجب می‌شوند تا عملاً همه جوانب محیط از جمله مطلوبیت آن و ارتقاء بهزیستی انسان را شامل شود. از این‌رو لازم است تا نگرش‌های پژوهشی از طریق



تصویر ۴. سیر تحول ساختارهای مفهومی در رویکردهای پژوهشی زیبایی‌شناسی معماری. مأخذ: نگارندگان.

پی‌نوشت‌ها

۱. مطالعات زیبایی‌شناسی معماری، به منزله حوزه‌ای مجزا در فلسفه تحلیلی هنر با کتاب «زیبایی‌شناسی در معماری» اثر اسکروتین آغاز شد. این پژوهش منظم‌ترین و گسترده‌ترین مطالعات مفهومی را در حوزه زیباشناسی معماری ارائه می‌کند، اسکروتین تحت تأثیر ساختار نظریه زیبایی‌شناسی کانت، با تبیین تجربه زیبایی‌شناسانه اعتقاد دارد که تجربه معماری، دوری درباره ادراک حسی چیزی است که به عنوان ساختمان شناخته می‌شود و خوشایندبودن آن را هم مبتنی بر همین شناخت می‌داند (هالدین، ۱۳۸۰، ۶). به عقیده اسکروتین مهمترین ویژگی معماری در نمای ساختمان و پیوستگی آن با هنرهای تزئینی است و «معماری کلاسیک» را به صورت زیبایی‌شناسانه‌ای خوشایند در نظر می‌گیرد، که مدرنیسم فاقد آن است (Scruton, 1989, 94-102). با وجود کمبود پژوهش‌ها، مباحث این کتاب تنها به زیبایی‌شناسی در معماری کلاسیک، بدون گسترش به معماری مدرن و معاصر با چشم‌انداز متعادل متمرکز است. در همین راستا نیز «وینترز» بر پایه نگرش اسکروتین، کتاب زیبایی‌شناسی و معماری را تألیف کرد و براساس دیدگاه کانت تقابلی میان گفتمان‌های تئوری ادراکی، معنایی (نلسون گودمن)، اجتماعی، فلسفه زبان (ویتگنشتاین) و دیدگاه اخلاقی ارائه کرد؛ او ادراک معماری را مبتنی بر «تجربه خیالی» مخاطب می‌داند (Winters, 2007, 205).
۲. در حقیقت عملکرد معماری و ارتباط آن با زیبایی‌شناسی بخشی از زمینه روابط بالقوه‌ای است که به نیروهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پاسخ داده و بیان‌کننده مقتضیات زمان است (Carlson, 1986; Stevanovic, 2011; 2013) و دستیابی به یک اجماع در خصوص ارتباط بین زیبایی و سودمندی به علت تقاضاهای عملکردی متفاوت تقریباً غیر ممکن به نظر می‌آید.
۳. از مهمترین چارچوب‌های نظری، دیدگاه تکامل‌گرایی اپلتون (Appleton, 1987)



تصویر ۵. هدف نظام فکری حاضر در رویکردهای پژوهشی تجربه محور. مأخذ: نگارندگان.

و مدل‌های زیستی و تکاملی توسط کاپلان‌ها (Kaplan & Kaplan, 1989) در حوزه منظر است. آنها با ترسیم مجموعه‌ای متنوع از منابع مفهومی که مستقیماً بر روند دریافت اطلاعات تأکید دارد، ارزش عملکردی آگاهی و ارتباط آن با ترجیحات محیطی را مدنظر قرار دادند.

۴. نظریه‌های فرهنگی به توضیح ترجیحات به‌سان امری آموخته و شکل گرفته از سوی جامعه، فرهنگ و ویژگی‌های شخصی می‌پردازد و بر ارزیابی‌های حاصل از شناخت حاصل از محیط تأکید دارند و بر واکنش‌ها تمرکز کمتری دارند (اشتگ، و ن‌دن برگ، و دگروت، ۱۳۹۶، ۶۴).

۵. در این رویکرد، تفاوت‌هایی زیبایی‌شناسی به واسطه این واقعیت وجود دارد که ترجیحات محیطی از طریق «ساختارهای دانش» به صورت اجتماعی شکل می‌گیرد، که مبتنی بر آموزش و فرهنگ هستند. (Galindo & Hidalgo, 2005, 20) از این رو توسعه‌ای پژوهش‌ها با هدف اهمیت آموزش و تجربه می‌تواند اطلاعات مهمی از نظر بهینه‌سازی محیطی ارائه بدهد (Uzunoglu, 2012; Danaci, 2015, 2012). از طرف دیگر زیبایی‌شناسی معماری در جستجوی ماهیت زیبایی، وارد عرصه خلاقیت و معرفت‌شناسی آن شده است که در حوزه آموزش، جهت ایجاد شناخت جنبه‌های ارزیابی زیبایی ایفای نقش می‌کند (Mako, 2012, 4). ارزیابی زیبایی‌شناسانه در این رویکرد به صورت ارزیابی‌های تخصص محور مطرح می‌شوند. چنین تفاوت‌هایی در ساختار دانش به طور خاص در پژوهش‌هایی که ارزیابی‌های افراد متخصص/غیرمتخصص را مقایسه کرده‌اند، مشهود است، (Groat, 1982; Herzog, 1992) و این تفاوت‌ها مرتبط به کسب ساختارهای دانشی متفاوت در مسیر آموزش حرفه‌ای و اجتماعی شدن است، به‌طوری که معماران عموماً ساختارهای دانشی خود را حول ساختمان‌هایی متفاوت از آنچه توسط افراد غیرمعمار ترجیح می‌دهند، شکل داده‌اند (Purcell & Nassar, 1992).

۶. جهانی شدن و منطقه‌گرایی در کنار یکدیگر فرآیندهایی توسعه‌ای هستند که در زمینه چشم‌اندازهای جدید زیبایی‌شناسی معماری تأثیر گذارند. به طوری که لزوم توسعه حس بوم‌شناسی نسبت به محیط بر اهمیت ایجاد یک ادراک آگاهانه متمرکز است و پژوهش‌ها به تأثیرگذاری خصوصیات اجتماعی، تاریخی بر برداشت معاصر از زیبایی‌شناسی معماری در پیچیدگی‌های فرهنگی آن می‌پردازند (Wahba, 2010). اهمیت این مسائل، شامل مضامین پیچیده‌ای در ارتباط با آگاهی زیست‌محیطی در حیطه اکولوژی و ارتباط آن با اصول زیبایی‌شناسی در حوزه‌های تحقیقاتی است (Kquofi & Glover, 2012). همچنین ارتباط بین زیبایی‌شناسی و ایده‌های اخلاقی به عنوان زمینه‌های پژوهشی اولیه‌ای به نظر می‌رسد که به زیبایی‌شناسی به عنوان قدرت جدید ایده‌پردازی می‌نگرد که می‌تواند توسعه معماری پایدار را در عمل ممکن سازد (Roeser, 2013).

۷. روانشناسان گشتالت، کمی‌سازی و رتبه‌بندی متغیرهای شکل و زمینه را در سازماندهی میدان دید با به کارگیری اصول «نظریه اطلاعات» دنبال کردند که به نظریه‌های زیبایی‌شناسی فرمی بر می‌گردد (Heath, 1968, 24). این روانشناسان معتقدند که در ادراک شکل و احجام، تجربه‌ای مستقیم و بی‌واسطه از «کیفیت‌های بیانی» وجود دارد و این تجربیات حاصل تداعی ذهنی نیست، بلکه نتیجه رابطه متقابل فرآیندهای عصبی (زیست‌شناختی) و الگوهای محیط (تنش، آرامش) است (لنگ، ۱۳۸۸، ۲۱۸).

۸. تحت تأثیر پژوهش‌های «برلین»، در دهه ۸۰ میلادی جیمز راسل و محرابیان (۱۹۷۸) به مقوله‌های توصیفی از تجربه‌های هیجانی محیط پرداختند و با هدف بهبود دانش، ارزیابی‌های عاطفی و حالات هیجانی محیط (پیچیدگی، دوستانه، هیجان‌انگیز، لذت‌بخش، اصالت، آرامبخش و غیره) را مورد نظر قرار دادند. آنان از طریق کشف رابطه بین پاسخ‌های ارزیابی و حالات افراد بر لزوم دستیابی به درک عمیق‌تر تجربه‌های موسوم به ارزیابی‌های عاطفی و واکنش‌های احساسی محیط تأکید کردند و پس از بررسی ۱۰۵ صفت توصیفی محیط و تحلیل عاملی دریافتند که دو مؤلفه اصلی مسرت‌بخشی (ارزش احساسی) و برانگیختگی (شدت اثر) بیشترین ارتباط را با واکنش‌های احساسی افراد در برابر محیط دارد و از این طریق مدل کیفیت عاطفی مکان را بازنمایی کردند. پس از آن در دهه ۱۹۹۰ تئوری «اورلیچ»، واکنش‌های عاطفی و زیبایی‌شناسی را بر پایه تناقضات (دوست داشتن/نداشتن) از طریق فرآیندهای روانشناسی و روابط متقابل انسان/محیط بررسی کرد.

۹. این دسته از پژوهش‌های تجربی از طریق سنجش‌های کیفی، نظریاتی کلی در خصوص ادراک که اصولاً مبتنی بر «تجربه» است، ارائه می‌دهند و ارتباط ویژگی‌های محیطی همچون اتمسفر یا تمایل عاطفی برای درک جنبه احساس محیط و حالات انسانی (جسمانی/هیجانی/احساسی/فیزیکی/ادراکی) را مورد بررسی قرار می‌دهند. همچنین با تأکید بر موضوع تجسد و همدلی به کنش‌ها و تجربه زیبایی‌شناسی می‌پردازند (رابینسون و پلاسما، ۱۳۹۶، ۱۷۷).

۱۰. از سال ۲۰۰۳، آکادمی عصب‌شناسی در حوزه معماری (ANFA) از «عصب-معماری» به عنوان راهی برای مرتبط کردن عصب‌شناسی و مطالعه واکنش‌های رفتاری (فرآیندهای شناختی و هیجانی) نسبت به محیط مصنوع حمایت کرده است. به عنوان نمونه از میان موضوعات مرتبط با تلفیق ادراک چندحسی و تجسم، مفهوم بساوش (لامسه)

اخیراً یک نقش محوری برای ادراک و تصویرسازی ذهنی بساوشی در ارزیابی معماری ارائه می‌کند (Papale et al., 2016). پیشرفت‌های اخیر در زمینه فناوری تصویربرداری عصبی، موجب تسهیل نگاشت زمانی مکانی تجربه زیبایی‌شناسی در مغز انسان شده است و به توسعه دانش بهتر از طریق علائم ادراکی، عناصر معماری و پیکربندی‌هایی که موجب تحریک واکنش‌های زیبایی‌شناسی خاص می‌شود، کمک می‌نماید. این رویکرد به‌طور مشخص به پژوهش‌های علمی همبست‌های تنکردشناختی مغز (عصب-بدن) مربوط به زیبایی‌شناسی تجربی اشاره دارد که به جنبه‌های حسی/حرکتی و عاطفی/احساسی تجربه انسان با اشیاء ادراکی مرتبط است و عمدتاً به معنای ضمنی «جسمانی» به کار می‌رود (رابینسون و پلاسما، ۱۳۹۶، ۱۶۲). توانایی انجام این مطالعات تجربی با اتکا به ابزارهای خلق واقعیت مجازی، امکان ارزیابی سیستماتیک اثر ویژگی‌های خاص و قابل اندازه‌گیری عناصر معماری و پردازش‌های بصری را می‌دهد و مؤلفه‌های فیزیکی و ارتباط آن با ادراکات و همبستگی‌های حسی/بصری در مغز را بررسی می‌کند و با ثبت واکنش‌های مغز و جسم، تجربه و اکتشافات ادراکی معماری را می‌آزمایند.

۱۱. شاخص اندازه‌گیری میزان اطلاعات در یک پیام. فرمول‌های آنتروپی مبتنی بر نظم و بی‌نظمی، که مشترکاً توسط «بولتزن» و «شانون» مطرح شدند، تحت عنوان «روابط زیبایی» از آن نام برده می‌شود. عبارتند از: $P \log P = X$, $I \log K = H$ (Minai, 1993, 3).

۱۲. در این مطالعات محرک‌ها به صورت ثابت مفهوم‌سازی شده و کاربران به شکلی یکنواخت به آن پاسخ می‌دهند، در نتیجه، تحلیل روابط بین محرک‌های فیزیکی (عینی) و پاسخ‌های روانی (ترجیحات عمومی) بدون در نظر گرفتن تجربه احتمالی فرآیندهای واسطه‌ای (عامل قضاوت‌ها) است (Zube, Sell & Taylor, 1982; Daniel & Vining, 1983).

فهرست منابع

- آرناهییم، رودولف. (۱۳۹۲). *نیروهای ادراک بصری در معماری* (ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی). تهران: سمت.
- اشتگ، لیندا؛ ون‌دنبرگ، اگنس‌ای و دگروت، جودی. (۱۳۹۶). *روانشناسی محیطی* (ترجمه سپیده برزگر و آناهیتا شهری). تهران: فکر نو.
- پلاسما، یوهانی. (۱۳۹۴). *چشمان پوست* (ترجمه علیرضا فخرکننده). تهران: چشمه.
- پرزگومز، آلبرتو. (۱۳۹۷). *تأملات بهنگام* (ترجمه رضا عسگری، نگین جواهریان و باوند بهپور). تهران: معمار نشر.
- دوباتن، آلن. (۱۳۸۸). *معماری شادمانی* (ترجمه پروین آقائی). تهران: ملاتک.
- رئیسی، محمدمنان. (۱۳۹۵). *ارزیابی و نقد رویکردهای تحقیق در معماری و شهرسازی از منظر اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*. ۴، (۱۱)، ۳-۱۸.
- جعفریها، رضا. (۱۳۹۶). *زیبایی‌شناسی منظر شهری*. قزوین: انتشارات جهاددانشگاهی.
- سلطانی، مهرداد؛ منصور، سیدامیر و فرزین، احمدعلی. (۱۳۹۱). *تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری*. باغ نظر، ۹ (۲۱)، ۳-۱۲.
- رابینسون، سارا و پلاسما، یوهانی. (۱۳۹۶). *ذهن در معماری* (ترجمه رضا امیررحیمی). تهران: معمار نشر.
- عسگری، محسن و بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۵). *به سوی یک گونه‌شناسی الگوواره‌ای در معماری و شهرسازی*. فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۰ (۸۹)، ۱۹۵-۲۲۸.
- گروت، یورک کورت. (۱۳۸۳). *زیبایی‌شناسی در معماری* (ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون). تهران: دانشگاه بهشتی.
- لنگ، جان. (۱۳۸۸). *آفرینش نظریه معماری* (ترجمه علیرضا عینی‌فر). تهران: دانشگاه تهران.
- مالگریو، هیرفرانسیس. (۱۳۹۵). *مغز معمار* (ترجمه کریم مردمی و سیما

- aesthetics. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (51), 878-882.
- Danaci, H. M. (2015). Aesthetics in Cultural Landscape and Architectural Education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (191), 190-195.
 - Daniel, T. C. & Vining, J. (1983). Methodological issues in the assessment of landscape quality. In *Behavior and the natural environment*, (6), 39-86.
 - Devlin, A. S. (1994). Children's housing style preferences: Regional, socioeconomic, sex, and adult comparisons. *Environment and Behavior*, 26(4), 527-559.
 - Fazeli, P. & Shakarami, A. (2014). Evaluation of Determinant Qualities Affecting Urban Landscape Aesthetics in Sustainable Urban Design (A Focus on Serial Vision Heterogeneity) Case Study: Jolfa Alley in Isfahan. *Journal of Social Issues & Humanities*, 2(5), 20-29.
 - Galindo, M. P. & Corraliza Rodríguez, J. A. (2000). Environmental aesthetics and psychological wellbeing: Relationships between preference judgements for urban landscapes and other relevant affective responses. *Psychology in Spain*, 4(1), 13-27.
 - Galindo, M. P. & Hidalgo, M. C. (2005). Aesthetic preferences and the attribution of meaning: Environmental categorization processes in the evaluation of urban scenes. *International Journal of Psychology*, 40(1), 19-26.
 - Ghomeshi, M. & Jusan, M. M. (2012). Investigating different aesthetic preferences between architects and non-architects in residential façade designs. *Indoor and built environment*, 22(6), 952-964.
 - Ghomeshi, M., Nikpour, M. & Jusan, M.M. (2012). Identifying the Different Aesthetic Quality of Building Attributes From Architects Perspective. *Int J Modern Eng Res (IJMER)*, 2(3), 917-919.
 - Gifford, R., Hine, D.W., Muller-Clemm, W., Reynolds JR, D.A.J., & Shaw, K.T. (2000). Decoding modern architecture: A lens model approach for understanding the aesthetic differences of architects and laypersons. *Environment and Behavior*, 32(2), 163-187.
 - Gjerde, M. (2010). Visual aesthetic perception and judgement of urban streetscapes. In *Paper for Building a Better World: CIB World Congress*. <https://www.researchgate.net/profile/Darcy-Reynolds-Jr/publication/249624426>.
 - Groat, L. (1982). Meaning in post-modern architecture: An examination using the multiple sorting task. *Journal of Environmental Psychology*, 2(1), 3-22.
 - Groat, L. (1988). Contextual Compatibility in Architecture: An Issue of Personal Taste? In J. Nasar (ed.), *The Visual Quality of the Environment: Theory, Research and Application*: (228-253). Cambridge, England: Cambridge University Press.
 - Groves, M. & Thorne, R. (1988). Aspects of housing preference: revisiting a cross-cultural study with the hindsight of improved data analysis. *Journal of Environmental Psychology*, 8(1), 45-55.
 - ابراهیمی، تهران: هنر معماری قرن.
 - مالگریو، هریفرانسیس و گودمن، دیوید. (۱۳۹۴). *نظریه‌های معماری* (ترجمه مرضیه آزاد ارمکی). تهران: نشر علم.
 - نسر، جک ال. (۱۳۹۳). *تصویر ذهنی ارزیابانه از شهر* (ترجمه مسعود اسدی محل چالی). تهران: آرمانشهر.
 - هالدین، جانجی. (۱۳۸۰). *زیبایی‌شناسی معماری* (ترجمه د سمرقند). نشریه معماری. ۶(۱۲)، ۴-۷.
 - هال، استیون؛ پرز-گومز، آلبرتو؛ پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۴). *پرسش‌های ادراک* (ترجمه علی اکبری و محمدامین شریفیان). تهران: پرهام نقش.
 - Alp, A. V. (1993). An experimental study of aesthetic response to geometric configurations of architectural space. *Leonardo*, 149-157.
 - Appleton, J. (1987). Landscape as prospect and refuge. *The visual elements of landscape*, 39-74. Amherst: The University of Massachusetts Press.
 - Berleant, A. (2013). What is aesthetic engagement? *Contemporary aesthetics*, 11(1), 5.
 - Bermudez, J. (2011). *Empirical aesthetics: the body and emotion in extraordinary architectural experiences*. Considering Research: Reflecting Upon Current Themes in Architectural Research, 369.
 - Bermudez, J. & RO, B. (2012). *Extraordinary architectural experiences: comparative study of three paradigmatic cases of sacred spaces*. Montreal: International Congress on Ambiances Network.
 - Bermudez, J. & Ro, B. (2013). *Memory, Social Interaction, and Communicability in Extraordinary Experiences of Architecture*. In ARCC Conference Repository.
 - Bermudez, J., Krizaj, D., Lipschitz, D. L., Bueler, C. E., Rogowska, J., Yurgelun-Todd, D. & Nakamura, Y. (2017). Externally-induced meditative states: an exploratory fMRI study of architects' responses to contemplative architecture. *Frontiers of architectural research*, 6(2), 123-136.
 - Bhatt, R. (2000). The significance of the aesthetic in postmodern architectural theory. *Journal of Architectural Education*, 53(4), 229-238.
 - Bishop, A. R. (2007). Outside the square? Aesthetic response to the contemporary architecture of Federation Square, Melbourne. *The Environmentalist*, 27(1), 63-72.
 - Bittermann, M. S. & Ciftcioglu, Ö. (2016). Visual perception with color for architectural aesthetics. In *Evolutionary Computation (CEC), 2016 IEEE Congress on* (pp. 3909-3916). IEEE.
 - Böhme, G. (1993). Atmosphere as the fundamental concept of a new aesthetics. *Thesis eleven*, 36(1), 113-126.
 - Böhme, G. (2017). *Atmospheric Architectures: The Aesthetics of Felt Spaces*. London: Bloomsbury Publishing.
 - Carlson, A. (1986). *Reconsidering the aesthetics of architecture*. *Journal of Aesthetic Education*, 20(4), 21-27.
 - Carlson, A. (2000). *Aesthetics and the environment*. London: Routledge.
 - Danaci, H. M. (2012). Architectural education and environmental

- Herzog, T. R. (1992). A cognitive analysis of preference for urban spaces. *Journal of environmental psychology*, 12(3), 237-248.
- Heath, T.F. (1968). Problems of Measurement in Environmental Aesthetics. *Architectural Science Review*, 11(1), 17-28.
- Herzog, T. R. & Bosley, P. J. (1992). Tranquility and preference as affective qualities of natural environments. *Journal of environmental psychology*, 12(2), 115-127.
- Herzog, T. R., Kaplan, S. & Kaplan, R. (1982). The prediction of preference for unfamiliar urban places. *Population and Environment*, 5(1), 43-59.
- Hubbard, P. (1996). Conflicting interpretations of architecture: an empirical investigation. *Journal of Environmental Psychology*, 16(2), 75-92.
- Illies, C. & Ray, N. (2016). An aesthetic deontology: Accessible beauty as a fundamental obligation of architecture. *Architecture Philosophy*, 2(1) 64-82.
- Jennath, K. A. & Nidhish, P. J. (2016). Aesthetic judgement and visual impact of architectural forms: a study of library buildings. *Procedia Technology*, (24), 1808-1818.
- Kaplan, R. & Kaplan, S. (1989). *The experience of nature: A psychological perspective*. Cambridge University Press.
- Kquofi, S. & Glover, R. (2012). Awareness Level of Environmental Aesthetics on KNUST Campus, Kumasi, Ghana: A Descriptive Account. *Journal of Environment and Earth Science*, 2(10), 84-92.
- Lagueux, M. (2004). Ethics versus aesthetics in architecture. *The Philosophical Forum*, 35 (2), (117-133).
- Litvin, V. (2015). Architectural Environment Organization in the Context of Practical Aesthetics. *GISAP: Technical Sciences, Construction and Architecture*, (5),7-10.
- Liu, S. Y., & Chuang, H. T. (2014). A Study of Aesthetic Factors and Aesthetic Responses of the Interior Environment. *International Journal of Research in Humanities, Arts and Literature*, 2(9), 1-8.
- Mahdaveinejad, M., Bahtooei, R., Hosseinikia, S. M., Bagheri, M., Motlagh, A. A. & Farhat, F. (2013). Aesthetics and Architectural Education and Learning Process. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (116), 4443-4448.
- Mann, D. A. (1979). Architecture, aesthetics, and pluralism: Theories of taste as a determinant of architectural standards. *Studies in Art Education*, 20(3), 15-29.
- Mako, V. (2012). *Aesthetics in Architecture: Contemporary Research Issues*. Beograd: University of Belgrade.
- Minai, A. T. (1993). *Aesthetics, mind, and nature: A communication approach to the unity of matter and consciousness*. Retrieved from: <https://philpapers.org/rec/MINAMA>.
- Nassar, J. L. (1988). *Environment Aesthetic. Theory Research and Applications*. New York: Cambridge University.
- Parsons, R. (1991). The potential influences of environmental perception on human health. *Journal of environmental psychology*, 11(1), 1-23.
- Pitt, D.G. & Zube, E.H. (1987). Management of natural environments. *Handbook of environmental psychology*, (2), 1009-1042.
- Purcell, A. T. & Nasar, J. L. (1992). Experiencing other people's houses: A model of similarities and differences in environmental experience. *Journal of Environmental Psychology*, 12(3), 199-211.
- Purcell, A. T., Lamb, R. J., Peron, E. M. & Falchero, S. (1994). Preference or preferences for landscape. *Journal of environmental psychology*, 14(3), 195-209.
- Purcell, A. T., Peron, E. & Sanchez, C. (1998). Subcultural and cross-cultural effects on the experience of detached houses: An examination of two models of affective experience of the environment. *Environment and Behavior*, 30(3), 348-377.
- Roeser, S. (2013). Aesthetics as a Risk Factor in Designing Architecture. In *Ethics, Design and Planning of the Built Environment* (93-105). Springer: Dordrecht.
- Russell, J. A. (1980). A circumplex model of affect. *Journal of personality and social psychology*, 39(6), 1161-1178.
- Russell, J. A. & Lanius, U. F. (1984). Adaptation level and the affective appraisal of environments. *Journal of Environmental Psychology*, 4(2), 119-135.
- Russell, J. A. & Mehrabian, A. (1978). Approach-avoidance and affiliation as functions of the emotion-eliciting quality of an environment. *Environment and behavior*, 10(3), 355-387.
- Russell, J. A., & Pratt, G. (1980). A description of the affective quality attributed to environments. *Journal of personality and social psychology*, 38(2), 311.
- Russell, J. A., Ward, L. M. & Pratt, G. (1981). Affective quality attributed to environments: A factor analytic study. *Environment and behavior*, 13(3), 259-288.
- Saito, Y. (2008). Everyday aesthetics: prosaics, the play of culture and social identities. *British Journal of Aesthetics* 48 (4),461-463.
- Saunders, W. S. (1999). From taste to judgement: Multiple criteria in the evaluation of architecture. *Harvard Design Magazine*, (7), 1-8.
- Saunders, W. S. (2007). *Judging architectural value*. United States: University of Minnesota Press.
- Scruton, R. (1989). *The Aesthetics of Architecture*. New Jersey: Princeton University Press.
- Shiner, L. (2011). On aesthetics and function in architecture: the case of the "Spectacle" art museum. *The Journal of Aesthetics and Art Criticism*, 69(1), 31-41.
- Smith, P. F. (2003). *The dynamics of delight: Architecture and aesthetics*. London: Routledge.
- Staats, H., Gatersleben, B. & Hartig, T. (1998). Change in mood as a function of environmental design: arousal and pleasure on a simulated forest hike. *Journal of Environmental Psychology*, 17(4), 283-300.

- Stamps III, A. E. (1995). Stimulus and respondent factors in environmental preference. *Perceptual and Motor Skills*, 80(2), 668-670.
- Stamps III, A. E. (1999). Physical determinants of preferences for residential facades. *Environment and Behavior*, 31(6), 723-751.
- Stevanović, V. (2011). Cultural based preconceptions in aesthetic experience of architecture. *Spatium*, (26), 20-25.
- Stevanović, V. (2013). Ideological assumptions in aesthetic judgment of architecture. *Spatium*, (30), 40-46.
- Thakur, A. (2007). Making a Place for Pragmatics in Art and Aesthetics in Architecture. *Nature*, 1 (1), 8-13.
- Thomas, E. (2015). The Beauties of Architecture. *A Companion to Ancient Aesthetics*, (121), 274.
- Tsutsumi, K. & Sasaki, K. (2007). Study on shape creation of building's roof by evaluating aesthetic sensibility. *Mathematics and Computers in Simulation*, 77(5-6), 487-498.
- Uzunoglu, S. S. (2012). Aesthetics and Architectural Education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (51), 90-98.
- Vartanian, O., Navarrete, G., Chatterjee, A., Fich, L. B., Leder, H., Modroño, C., ... & Skov, M. (2013). Impact of contour on aesthetic judgments and approach-avoidance decisions in architecture. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 110(Supplement 2), 10446-10453.
- Vartanian, O., Navarrete, G., Chatterjee, A., Fich, L. B., Gonzalez-Mora, J. L., Leder, H. ... & Skov, M. (2015). Architectural design and the brain: effects of ceiling height and perceived enclosure on beauty judgments and approach-avoidance decisions. *Journal of environmental psychology*, (41), 10-18.
- Vannucci, M., Gori, S. & Kojima, H. (2014). The spatial frequencies influence the aesthetic judgment of buildings transculturally. *Cognitive neuroscience*, 5(3-4), 143-149.
- Wahba, S.M.E D. (2010). *Friendly and Beautiful: Environmental Aesthetics in Twenty-First-Century Architecture*. In Geometries of Rhetoric (459-469). Birkhäuser: Basel.
- Winters, E. (2007). *Aesthetics and Architecture*. New York: Continuum.
- Weber, R., Schnier, J. & Jacobsen, T. (2008). Aesthetics of streetscapes: Influence of fundamental properties on aesthetic judgments of urban space. *Perceptual and motor skills*, 106(1), 128-146.
- Wilson, M. A. (1996). The socialization of architectural preference. *Journal of Environmental Psychology*, 16(1), 33-44.
- Wohlwill, J. F. (1976). Environmental aesthetics: The environment as a source of affect. In *Human behavior and environment* (37-86). Boston: MA.
- Zube, E. H., Sell, J. L., & Taylor, J. G. (1982). Landscape perception: research, application and theory. *Landscape planning*, 9(1), 1-33.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

**نحوه ارجاع به این مقاله:**

موسویان، سمیه؛ امین‌زاده گوهریزی، بهناز و شاهچراغی، آزاده. (۱۴۰۰). گونه‌شناسی و مقایسه تطبیقی رویکردهای پژوهشی در مطالعات حوزه زیبایی‌شناسی معماری. *باغ نظر*, ۱۸(۹۵)، ۸۵-۱۰۰.

DOI: 10.22034/BAGH.2020.235387.4570

URL: http://www.bagh-sj.com/article_128763.html

